

ترجمه و شرح

ملّعات دیوان حافظ

با توضیح نکات صرفی و نحوی ابیات و مصراع‌های عربی
و
تبیین مختصر اصطلاحات عرفانی و صنایع ادبی ابیات

نگارش:

عیوض شهبازی - امین یاری

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	شهبازی، عیوض، ۱۳۴۳-
عنوان قراردادی	دیوان . شرح
عنوان و نام پدیدآور	ترجمه و شرح ملمعات دیوان حافظ با توضیح نکات صرفی و نحوی ابیات و مصراع‌های عربی و تبیین مختصر اصطلاحات عرفانی و صنایع ادبی ابیات/ نگارش عیوض شهبازی، امین یاری؛ ویراستار بخش عربی غلامحسن زنده‌دل؛ ویراستار بخش فارسی غفار اللهیاری.
مشخصات نشر	تهران: طهوری، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۶۶ص.
شابک	978-600-5911-65-7
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	نمایه.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۶۴ - ۱۶۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	حافظ، شمس‌الدین محمد، -۷۹۲ق -- نقد و تفسیر
موضوع	Hafiz, Shamsoddin Mohamad, 14th Century -- Criticism and interpretation
موضوع	حافظ، شمس‌الدین محمد، -۷۹۲ق . دیوان. برگزیده. شرح
موضوع	Hafiz, Shamsoddin Mohammad, 14th century . Divan.
موضوع	Commentaries
موضوع	ملمعات
	Bilingual poems*
شناسه افزوده	یاری، امین، ۱۳۴۲ -
شناسه افزوده	حافظ، شمس‌الدین محمد، -۷۹۲ق . دیوان. برگزیده. شرح
شناسه افزوده	Hafiz, Shamsoddin Mohammad, 14th century . Divan
	Commentaries
رده بندی کنگره	PIR۳۵۸۶:
رده بندی دیوبی	۸۱۴/۰۰۹:
شماره کتابشناسی ملی	۹۳۳۵۶۵۰:
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا	

ترجمه و شرح
ملّمعات دیوان حافظ

با توضیح نکات صرفی و نحویِ ابیات و مصراع‌های عربی

و

تبیین مختصر اصطلاحات عرفانی و صنایع ادبیِ ابیات

نگارش:

عیوض شهبازی - امین یاری
ویراستار بخش عربی: غلامحسین زنده‌دل
ویراستار بخش فارسی: غفار اللهیاری



اشارات طهوری
۱۴۰۲



اشارات طه‌وری

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۲۴
صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵ / تلفن: ۶۶ ۴۶ ۴۸ ۲۶ - ۰۹۱۲ ۲۲ ۵۱۲۰۶



ترجمه و شرح

ملّعات دیوان حافظ

با توضیح نکات صرفی و نحوی ابیات و مصراع‌های عربی

و

تبیین مختصر اصطلاحات عرفانی و صنایع ادبی ابیات

تألیف: عیوض شهبازی - امین یاری

ویراستار بخش عربی: غلامحسّن زنده‌دل / ویراستار بخش فارسی: غفار اللهیاری

صفحه‌آرایی: علم‌روز

چاپ نخست: ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۱۰ جلد

قیمت: ۱۱۵۰۰۰۰۰ ریال

حق هرگونه چاپ و تکثیر برای انتشارات طه‌وری محفوظ است

تقدیم به:

محقق وارسته و شاعر برجسته

دکتر علی موسوی گرمارودی

که در تبیین معانی ترکیبات و ابیات عربی حافظ
چون خورشید می درخشد.

فهرست مطالب

دیباچه ... ۹

فصل اول

ملّمعات غزلیات حافظ ... ۱۵

فصل دوم

ملّمعات مثنوی‌های حافظ ... ۱۴۷

فصل سوم

ملّمعات مقطّعات حافظ ... ۱۵۱

نمایه ... ۱۵۹

منابع ... ۱۶۳

دیباچه

ملمّعات، بخشی از سروده‌های شاعران بزرگی همچون مولانا، سعدی و حافظ را شکل می‌بخشد. ملمّعات، نوعی مهارت شاعرانه و هنر ادبی است که شاعر از طریق آن توانمندی خویش را نشان می‌دهد. استاد جلال‌الدین همایی در تعریف «مُلَمَّع» می‌نویسد: «آن است که فارسی و عربی را در نظم به هم آمیخته باشند، چنانکه مثلاً یک مصراع فارسی و یک مصراع عربی، یا یک بیت یا چند بیت فارسی و یک بیت عربی بگویند. ساختن این نوع شعر را به نام صنعت تلمیع در جزو صنایع بدیع شمرده‌اند.»^۱

به روشنی پیداست که عربی و فارسی چنان در هم تنیده‌اند که بدون تسلط بر یکی، فهم و درک آن دیگری سخت و نامفهوم می‌باشد. اشعار شاعران اندیشمند و اهل طریقت چون حافظ، بیانگر حکمت و دارای طعم و شیرینی خاصی است، لکن وجود ابیات و مصراع‌هایی به زبان عربی (ملمّع)، التذاذ از این اشعار را برای عموم مقداری سخت می‌کند. با عنایت به همین نکته، بر آن شدیم با استناد به منابع موثق، ملمّعات دیوان حافظ ترجمه و تشریح گردد و به نکات صرفی، مقام نحوی، صنایع ادبی، علوم بلاغی و اصطلاحات عرفانی آن ابیات بر سبیل اجمال پرداخته شود. در واقع با یادگیری موارد یاد شده، هم

۱. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، ص ۱۴۶، تهران: نشر هما.

می‌توان متون نظم و نثر فارسی را به خوبی فهمید و هم می‌توان با گشایش زبانی، در فهم و بیان ادبیات عرب توانمند شد و مکنونات درونی خود را به نحو احسن بیان نمود. در این دفتر البته بر سبیل توسع و با احتساب ابیاتی که کلاً عربی بود، جمعاً ۷۸ مصراع و ترکیب عربی، تبیین و تشریح شده است.

اینکه چرا از میان شاعران، حافظ برگزیده شد به این دلیل است که حافظ، «حافظه تاریخ» ماست و در ماندگاری و شکل‌گیری هویت و ایرانیت ما نقش اساسی دارد. حافظ با غزلیات دلنشین و با قلم سحرانگیز خود، ما را با فرزانه‌گانی چون خیام نیشابوری آشنا می‌سازد. در واقع حافظ، ما را به خویشتن خویش فرا می‌خواند و از سرگشتگی در گستره تاریخ می‌رهاند. حافظ، معلم بی‌نظیر مدرسه رندان نیز به شمار می‌رود که در آن با تعالیم رندانه خویش، توجه به حقیقت مطلق و رعایت اصول انسانیت و مبارزه با خشک اندیشان شریعت را می‌آموزد. اینکه حافظ با آثار و اشعار شاعران بزرگ عرب و شعرای زبان فارسی، انسیت داشت و همدم و مونس آنها بود هیچ شکی نیست. حافظ، خود بر دانش عربی خویش تصریح می‌کند:

اگرچه عرض هنر پیش یار، بی ادبی است

زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است

دکتر زرین کوب در باب آشنایی حافظ با شعرای عرب می‌نویسد: «اینکه او ساعات زیادی از اوقات کار یا فراغت را در مطالعه دواوین عرب به سر آورده باشد محل شک نیست.»^۱ به تعبیر استاد گرمارودی «... و نشانه آن، شعرهایی عربی است که خود سروده یا از دیگران با تضمین و اقتباس و تلمیح در شعرهای خویش به کار برده است. از میان مطالب و کلمات عربی در دیوان حافظ، شعرهای عربی حافظ، همه از نوع «ملّع» است. ملّع در لغت به اسب ابرش

۱. از کوچه رندان، زرین کوب، عبدالحسین، ص ۳۵، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.

می‌گویند یا هر چیز دیگر که در آن خال‌ها و لکه‌هایی، مخالف رنگ اصلی باشد. در اصطلاح ادبی، شعری است که ابیات یا مصراع‌هایی دارد به غیر زبانی که شعر در آن سروده شده است.^۱

ناگفته نماند که یک کلمه و یا ترکیب و کلام بر اساس فهم و خوانش می‌تواند نقش‌های متعددی را بپذیرد. وجود و جوهر ترکیب‌های مختلف در عرصه ادبیات عرب، یک امر معمول و مقبولی است که نیاز چندانی به اثبات و استدلال ندارد. به عنوان نمونه بنابر تصریح دکتر میرحسینی، بعضی از محققین برای آیه دوم سورة بقره «ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین» نزدیک به سی وجه ترکیب ذکر کرده‌اند.^۲

تا جایی که اطلاع داریم کلمات و ترکیبات و جملات عربی اشعار حافظ، به صورت مستقل، تجزیه و ترکیب نشده‌اند. یعنی مقام نحوی و تبیین ساختار واژگان - تجزیه - در کتاب مستقلی به رشته نگارش در نیامده است. شارحان محترم دیوان حافظ، هر یک بنابر اقتضا و سلیقه خاص خود، کلمه و کلام دلخواهشان را تشریح نموده‌اند. تنها دکتر گرمارودی، با تألیف کتاب «عربی‌های دیوان حافظ»^۳ صرفاً به بیان معانی مفردات و ترکیبات و جملات عربی حافظ بر سبیل اختصار و به شکل روشمند و مستند پرداخته‌اند که از این منظر، بر حسب عبارت زیبای «والفضل للمتقدم» باید زحمات آن استاد فرزانه را ارج نهاد.

لازم به یادآوری است که در تعیین اوزان عروضی ابیات و شماره غزل‌های مورد بحث، به کتاب «شاخ نبات حافظ» از دکتر محمدرضا برزگر خالقی^۴ استناد شده است. در مثنویات و مقطعات، مستند ما دیوان حافظ با تصحیح علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی بوده است.

۱. عربی‌های دیوان حافظ، موسوی گرمارودی، علی، ص ۶، تهران: انتشارات طهوری، ۱۴۰۱.

۲. قواعد عربی، میرحسینی، سید علی اکبر، (۵)، انتشارات دانشگاه پیام نور.

۳. عربی‌های دیوان حافظ، موسوی گرمارودی، علی، تهران: انتشارات طهوری، ۱۴۰۱.

۴. شاخ نبات حافظ، برزگر خالقی، محمدرضا، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۴.

یکی از منابعی که در این اثر مورد استفاده قرار گرفته است «شرح سودی بر حافظ»، با ترجمه دکتر عصمت ستارزاده است که به لحاظ شرح و شهرت، فضل تقدم دارد.^۱ سودی، با انتخاب شیوه دلنشین که شکل و روش کارش را از دیگر شارحان حافظ جدا می‌سازد، نکات عربی و فارسی را تا جایی که لازم می‌بیند می‌کاود. استاد سعید نفیسی، سودی بسنوی را «مردی بسیار دانشمند و شاعری توانا و مؤلفی پُر کار» می‌داند که «در سه زبان ترکی و تازی و پارسی دست داشته» و «شافیه و کافیه ابن حاجب را که دو منظومه معروف در قواعد زبان تازی است به ترکی ترجمه کرده است».^۲ استاد نفیسی تصریحاً می‌نویسد: «تردیدی نیست که شرح سودی مهمترین کتابی است که در باره حافظ تا کنون تألیف کرده‌اند».^۳

از صمیم قلب، همراهی و همکاری استاد ارجمند ادبیات عرب جناب آقای غلامحسین زنده‌دل را ارج می‌نهم که در باب مقام نحو و تحلیل مفردات، نظرات خود را بیان نمودند. از عنایات بی‌دریغ آقای غفار اللهیاری، استاد فرزانه ادبیات فارسی ممنون و قدردانیم که ضمن یادآوری نکات ادبی و دستوری، در تطبیق مفاهیم مشترک بعضی از ابیات حافظ با رباعیات حکیم عمر خیام، موارد مهمی را یادآور شدند.

زحمات و اهتمام مدیر محترم انتشارت طهوری، آقای سید احمد رضا طهوری را قدردانیم که چاپ و نشر این کتاب را در این بازار آشفته که فاصله کتاب و کتابخوان، بیشتر و بیشتر می‌شود قبول فرمودند.

۱. شرح سودی بر حافظ، سودی بسنوی، ترجمه از زبان ترکی: عصمت ستارزاده، تهران: ۱۳۴۱. این کتاب چهار جلدی با مقدمه استاد سعید نفیسی و با همت دکتر ستارزاده به زبان فارسی ترجمه شده است.

۲. شرح سودی بر حافظ، سودی بسنوی، با مقدمه استاد سعید نفیسی، تهران: ۱۳۴۱، مقدمه: ص «ب».

۳. پیشین، ص «پ».

تذکرات و نقدهای عالمانه ارباب نظر و اصحاب قلم را مغتنم خواهیم شمرد و «تازیانه سلوک» و رزقِ راهِ خود خواهیم ساخت؛ چرا که به تعبیر بهترِ سهراب سپهری «سفرِ دانه به گُل» به همان نقد و نظرها گره خورده است.

تبریز. عیوض شهبازی

مشکین شهر. امین یاری

خرداد ۱۴۰۱ خورشیدی

فصل اول

ملّمعات غزلیات حافظ

۱۸۱

الا یا ایُّها السّاقی ادر کأساً وناولها

که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها

(غزل ۱)

وزن: مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن.

ترجمه: ای ساقی، جام باده را به گردش درآور و آن را به من برسان؛ زیرا عشق در ابتدا آسان جلوه‌گر شد ولی حالا دشوار گردیده است.

شرح

سودی، شارح معروف دیوان حافظ، این بیت را تضمینی از یزید دانسته است. به نظر علامه محمد قزوینی «این حکایت بی‌نهایت عامیانه و سخیف است و به کلی بی‌اصل و مجعول به نظر می‌آید ... گمان نمی‌رود هیچ انسان عاقل منصفی که کمترین انسی به سیره علما و متبّعین در طرز جمع آثار و اخبار متقدمین داشته باشد در مجعول بودن این اشعار منسوب به یزید و ساختگی

بودن اصل تمام این حکایت سخیف و رکیک عامیانه که تار و پود آن همه از دروغ صرف بافته شده آن هم دروغ‌های بسیار بی‌مزه بازاری، ادنی شکی تردیدی او را دست دهد.^۱ او ضمن تشکیک محققانه بر قول سودی و بررسی کتب معتبر ادبی و تاریخی، در نهایت، قول سودی را مجعول و مردود می‌شمارد و آن را تضمینی از غزلیات سعدی می‌داند.

به نظر دکتر زرین‌کوب اولین غزل دیوان حافظ «با تضمین از یک شعر منسوب به یزید - خلیفه اموی - آغاز شده است و چه بسیار چون و چراها که شاعران بعد بر سر همین کار با حافظ کرده‌اند. صحبت از اخذ و اقتباس از شعری منسوب به این خلیفه منفور است؛ نه استفاده از یک شعر خمربه. آنچه عیب‌جویان را به انتقاد حافظ وا داشته است تضمین کردنش از شعر منسوب به این خلیفه اموی بوده است. معه‌ذا، اگر آنگونه که بررسی‌های محققان نشان می‌دهد این مصرع از دیوان ربی به کلام یزید نداشته باشد، تمام چون و چراهایی که شاعران و ادیبان دو سه قرن بعد در این باره با حافظ کرده‌اند به نظر می‌آید که عبارت باشد از یک مصداق «هیا هو ی بسیار برای هیچ». اما از این گونه تضمین‌های عربی در شعر حافظ بسیار است و ظاهراً وی به سبب کثرت آنها لازم نمی‌داند اشاره‌ای هم به تضمینی بودنشان بکند. سهل است در بعضی از آنها هم به اقتضای مقام، هم به اقتضای میل و طبع خود، گه‌گاه دخالت و تصرف می‌کند. اینکه او ساعات زیادی در مطالعه دواوین عرب به سر آورده باشد، محل شک نیست؛ که در این صورت آمدن بعضی مضامین عربی در شعر فارسی او نباید مایه تعجب شود. آشنایی با ادب، ادب فارسی و عربی، از حافظ شهر رفته‌رفته یک رند آزاداندیش ساخت؛ بی‌تعصب و فارغ از قید و بند. در روزگاری که ارباب بی‌مروت دنیا دین و قدرت را سنگر می‌سازند برای اغفال

۱. تعلیقات و حواشی بر دیوان حافظ، تصحیح: قزوینی - غنی، صص ۴۵۷ و ۴۶۰، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴.

و تجاوز، کدام وجدان انسانی است که به آنچه منشأ این ناروایی هاست بی چون و چرا تسلیم باشد؟ وقتی که وی ریا و فساد را در تمام طبقات به شکل زنده‌ای عیان می‌بیند. آیا پیش خود مثل عیید زاکانی فکر نمی‌کند که «تخم حرام اندازید تا فرزندان شما فقیه و شیخ و مقرب سلطان باشند.»^۱ دکتر زرین کوب، به این نکته تأکید می‌کند که استفاده از اشعار دیگران برای شاعر آزاداندیش و رند و بی‌محابا همچون حافظ هیچ عیب و ایرادی ندارد؛ اما چون یزید کارنامه تاریکی دارد و منفور عده کثیری از مسلمین می‌باشد لذا نام او حساسیت آفریده است. به عبارت ساده، دکتر زرین کوب استفاده شاعران بلنداندیش و ستم‌ستیزی چون حافظ را از اشعار دیگران عیب نمی‌شمارد هرچند اصرار و تصریحی نیز برای تضمین از یزید ندارد. او در تردید انتساب این تضمین به یزیدبن معاویه به تحقیقات علامه محمد قزوینی استناد می‌جوید و می‌نویسد: «... برای دلایل تردید در صحت انتساب اصل عربی این مصراع به یزیدبن معاویه، رجوع شود به ملاحظات قزوینی در ماهنامه یادگار سال ۱، شماره ۹» بعد ادامه می‌دهد «در دیوان شمس مغربی هم که یک معاصر جوانتر حافظ محسوب می‌شود، غزلی هست که مطلعش بی‌شبهت به این مطلع حافظ نیست:

اِدْرِلی رَاحَ توحیدِ اَلَا یا اَیْها السّاقی

اَرِحْنی ساعةً عَنّی و عَن قَیدی و اِطلاقی^۲

و این کلام مغربی که تا حدی نیز شرح عرفانی کلام حافظ ممکن است تلقی شود در عین حال نشان می‌دهد که در محیط عرفان و ادب آن عصر این الفاظ اخذ یا تکرار شده است و ظاهراً سوءظنی را هم در باب اینکه کلام اصلش

۱. از کوچه رندان، زرین کوب، عبدالحسین، صص ۳۵-۳۷، با تلخیص، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.

۲. ترجمه بیت شمس مغربی با قلم دکتر گرمارودی: «هان ای ساقی! برایم شرابی توحیدی بگردان/ و مرا ساعتی از خویش و از دربند یا رها بودن، آسوده گردان.» (عربی‌های دیوان حافظ، ص ۱۸).

ماخوذ از گفته یک خلیفه منفور اموی باشد برننگیخته است.»^۱

دکتر گرامرودی، ضمن یک بحث مختصر و مفید در باب همین تضمین و طرح اجمالی نظرات علامه قزوینی و دکتر زرین کوب، در نهایت، برداشت شخصی خویش را که به لحاظ مضمون و محتوا هم سو با دکتر زرین کوب است بیان می کند: «با مراجعه کوتاهی به دیوان مهیار دیلمی، می توان به بیتی برخورد حاوی همان مضمون:

طرف نجدیّه و طرف عراق ایّ کاسِ یَدیرُها ایّ ساقی!
(در نجد و در عراق/ کدام جام را، کدام ساقی می گرداند)

اگر توجه شود که حافظ به همان اندازه که در دیوان های فارسی مطالعه و با آنها انس داشته، همان قدر هم با دیوان های عربی مأنوس بوده است، می توان پذیرفت که دیدن مضمون مورد بحث، آن هم به طور مکرر، در دیوان های مختلف عربی، او را به سرودن مصراع معروف «الا یا ایها الساقی...» رهنمون شده است. یعنی نباید در مورد این مصراع، به دنبال یک بیت معین از یک شاعر معین بود که حافظ آن را عیناً تضمین کرده باشد.^۲ دکتر گرامرودی در ادامه مباحث خود، احتمال می دهد که حافظ در سرودن مصراع مورد اشاره، به بیتی از ابوالعباس خسرو بن فیروز بن رکن الدوله، «گوشه چشمی داشته است و آن بیتی که صاحب این قلم در کتاب تأثیر فرهنگ عرب بر اشعار منوچهری دامغانی، نوشته دکتر ویکتور یک به آن برخورد. [عبارت است از]:

أدر الکاسَ عَلینا الساقی لِیَظرب.»^۳

قرآن پژوه و حافظ شناس معاصر استاد خرمشاهی، بدون اینکه استنباط و نظر مستقل شخصی خود را بیان نماید، به سبک و سیاق علامه قزوینی، مباحث

۲. عربی های دیوان حافظ، صص ۲۰-۱۹.

۱. از کوچه زندان، ص ۲۰۹.

۲. همانجا، ص ۲۰، با تلخیص.

خود را طرح می‌کند: «سودی گفته است که حافظ این مصراع را از یزیدبن معاویه تضمین کرده و اصل شعر یزید از این قرار است:

انا المسموم ما عندی بتریاق و لا راقی ادر کأساً و ناولها الا یا ایها الساقی^۱

علامه قزوینی در یک بحث ده صفحه‌ای تشکیک محققانه‌ای بر قول سودی وارد می‌کند و فهرست مفصلی از کتاب‌هایی که مظان یافتن شعر یزید بوده یاد می‌کند که در آنها نشانی از این ابیات نیست. بعد حدس می‌زند که مسلمانان متعصب ترک معاصر سودی این حکایت را بر ساخته‌اند - یعنی شعر را به یزید و سپس تضمین آن را به حافظ نسبت داده‌اند - تا خوانندگان حافظ را بر مانند و نسبت به او بدبین سازند. سپس در پایان بحث می‌گوید که به احتمال قوی با توجه به مضامین و الفاظ موجود در این ابیات مانند راقی، مسموم، کأس، تریاق و نظایر آن که دقیقاً در یکی از غزلیات سعدی به این مطلع:

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی

به صد دفتر شاید گفت حسب الحال مشتاقی

نیز آمده، این دو مصرع یا دو بیت منسوب به یزید باید با الهام از غزل سعدی، در فاصله سعدی و حافظ سروده شده باشد.^۲

«که»: در اینجا حرف و برای تعلیل است. «که» اگر برای ذوی العقول دلالت کند، اسم است مانند این بیت از سعدی:

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش به در آید

نمود: فعل ماضی. مشترک بین لازم و متعدی. در اینجا لازم است.

ولی: حرف استدراک. مانند «لکن» در عربی.

۱. ترجمه از دکتر گرمارودی: «من مسموم شده‌ام و پادزهر و افسونگری (درمانگری) ندارم/ ای ساقی! جامی بگردان و آن را (به من) برسان!» (عربی‌های دیوان حافظ، ص ۱۷).

۲. حافظ‌نامه، خرمشاهی، بهالدین، ج ۱، صص ۹۲-۹۱، تهران: انتشارات شرکت علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۶۸.

نکات صرفی و نحوی واژگان عربی

آلا: (هان - آگاه باش) حرف تنبیه («الای استفتاحیه» یا «الای تنبیهیه»).
غیرعامل. مبنی بر سکون.^۱

یا: (ای). حرف ندا. غیرعامل. مبنی بر سکون.

آیها: از دو کلمه (آی + ها) تشکیل شده، در زبان عربی وقتی منادا دارای ال باشد: (الساقی) قبل از آن برای مذکر (آیها) و برای مؤنث (آیها) می‌آید. در این حالت آی یا آیه مناداست و «ها» بعد از آن دوباره حرف تنبیه است. «ایا ای ساقی...»

ال: حرف تعریف (نشانه معرفه بودن اسم). غیرعامل. مبنی بر سکون.

ساقی: (از ریشه «س ق ی» به معنی آب‌دهنده یا رساننده). اسم. مفرد. مذکر. معرفه به ال. مشتق اسم فاعل / صفت یا بدل یا عطف بیان برای «ای».

آدر: (بچرخان، به گردش درآور. از ریشه «دور»). فعل امر مفرد. مذکر مخاطب. متعدی. ثلاثی مزید از باب افعال: أَدَارُ - يُدِيرُ - أَدِرْ - إِدَارَةُ / فعل و فاعلش ضمیر مستتر أنت.

کأساً: (جام - پیاله و جمع آن «کؤوس، کِناس و...»). اسم. مفرد. مؤنث مجازی معنوی. جامد غیرمصدری. نکره / مفعول به و منصوب.

و: حرف عطف. غیرعامل. مبنی بر فتح.

ناول: (دست دراز کن و بده، از ریشه «ن و ل»). فعل امر. مفرد. مذکر مخاطب. متعدی. ثلاثی مزید از باب مفاعله: نَاوَلٌ - يُنَاوِلُ - نَاوِلٌ - مُنَاوَلَةٌ / فعل و فاعلش ضمیر مستتر أنت.

ها: (او، آن). ضمیر متصل به هر سه قسم کلمه. للغائبه / مفعول به و منصوب محلاً.

۱. معمولاً حروف ترکیب نمی‌شوند. توضیح حروف از باب دانش افزایی است.